

نشریه فرهنگی اجتماعی گندم

« با مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی
به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱ »

ویژه نامه سالروز شهادت سردار دلها



والله والله والله، از مهمترین شئون عاقبت
بخیری، رابطه دلی و حقیقی بابا این حکیمی است
که امروز سکان انقلاب را به دست دارد.
« سردار شهید حاج قاسم سلیمانی »



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست:

- سخن سردبیر صفحه (۲)
- یادداشت سردار برای برادر زاده شان (نگاه سردار به تربیت جوانان صفحه (۳)
- بررسی فیلم به وقت شام صفحه (۴)
- ماجرای جالب یک مسیحی و سردار صفحه (۹)
- معرفی کتاب (ویژه سردار سلیمانی) صفحه (۱۰)
- بررسی فیلم شبی که ماه کامل شد صفحه (۱۶)
- بررسی فیلم رد خون صفحه (۲۰)
- فراخوان اکران فیلم بمناسبت ایام شهادت سردار سلیمانی صفحه (۲۱)
- چه کسی از سردار می ترسد؟ صفحه (۲۲)
- مصاحبه اختصاصی با جناب آقای سوهانی (پژوهشگر رسانه و ارتباطات) صفحه (۲۳)
- معرفی مستند زیبای قائدالحشد صفحه (۳۱)
- خاطره ای از آزادگی حاج علی بخشی زاده صفحه (۳۲)

سخن سردیبر؛

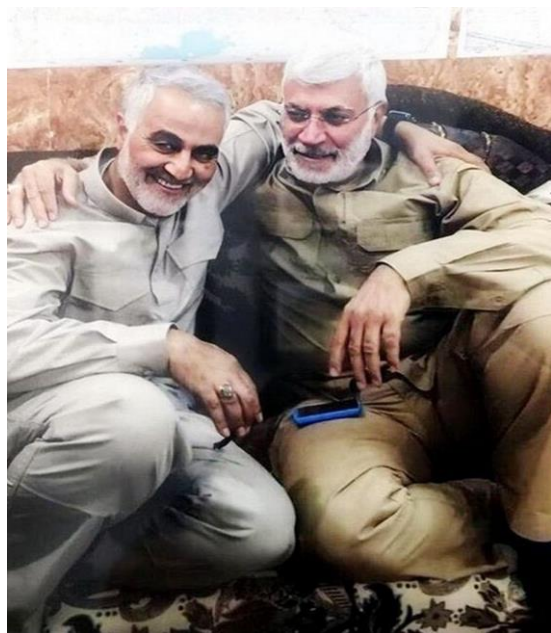
هرچند به دلایل مختلف ملت‌های مسلمان قرن‌هاست که در برابر هم قرار گرفته‌اند و در خصومت با هم هستند، اما این مرزها در کشورهای مسلمان، مانع مقاومت سردار سلیمانی در کشورهای مختلفی چون عراق، سوریه و لبنان نشد و وی با شجاعت و صلابت، در این کشورها حضور یافت و با مقاومت در برابر جبهه ظلم جنگید، تا اینکه پیروز شد. حاج قاسم سلیمانی توانست آمریکا و اسرائیل را در منطقه شکست دهد و یکی از دلایل به شهادت رساندن ایشان نیز انتقام آمریکا از این شکست بود. بی تردید شهید سلیمانی یکی از باشهامت‌ترین فرماندهان تاریخ به شمار می‌رود که در سخت‌ترین نبردها همواره پیشتاز بود و در خط مقدم قرار داشت. وصیتنامه و آخرین دست‌نوشته‌های شهید سلیمانی را می‌توان شرحی بر حالات عرفانی ایشان دانست و می‌توان گفت حاج قاسم تحت تربیت بزرگان چون امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به مقام فنای فی‌الله رسیده بود و خوف و ترس از خدا او را به مقام رفیع شهادت رساند. اینست که نام او آزادگان جهان را به یاد سرداران عارف و اصلی چون مالک اشتر نخعی می‌اندازد که در عین جنگاوری، زاهد و عابدی شب زنده‌دار بود و در عین بی‌اعتنایی به دنیا، دلی پر شفقت و مهربان داشت. از این رو برای پاسداشت مقام رفیع این بزرگ مرد الهی و مرد میدان‌های مختلف جهاد، کانون فرهنگی هنری گندم تصمیم گرفته تا با اختصاص یک شماره از نشریه خود به مقام وی ادای احترام نماید. به امید آنکه ادامه دهنده راهش باشیم.

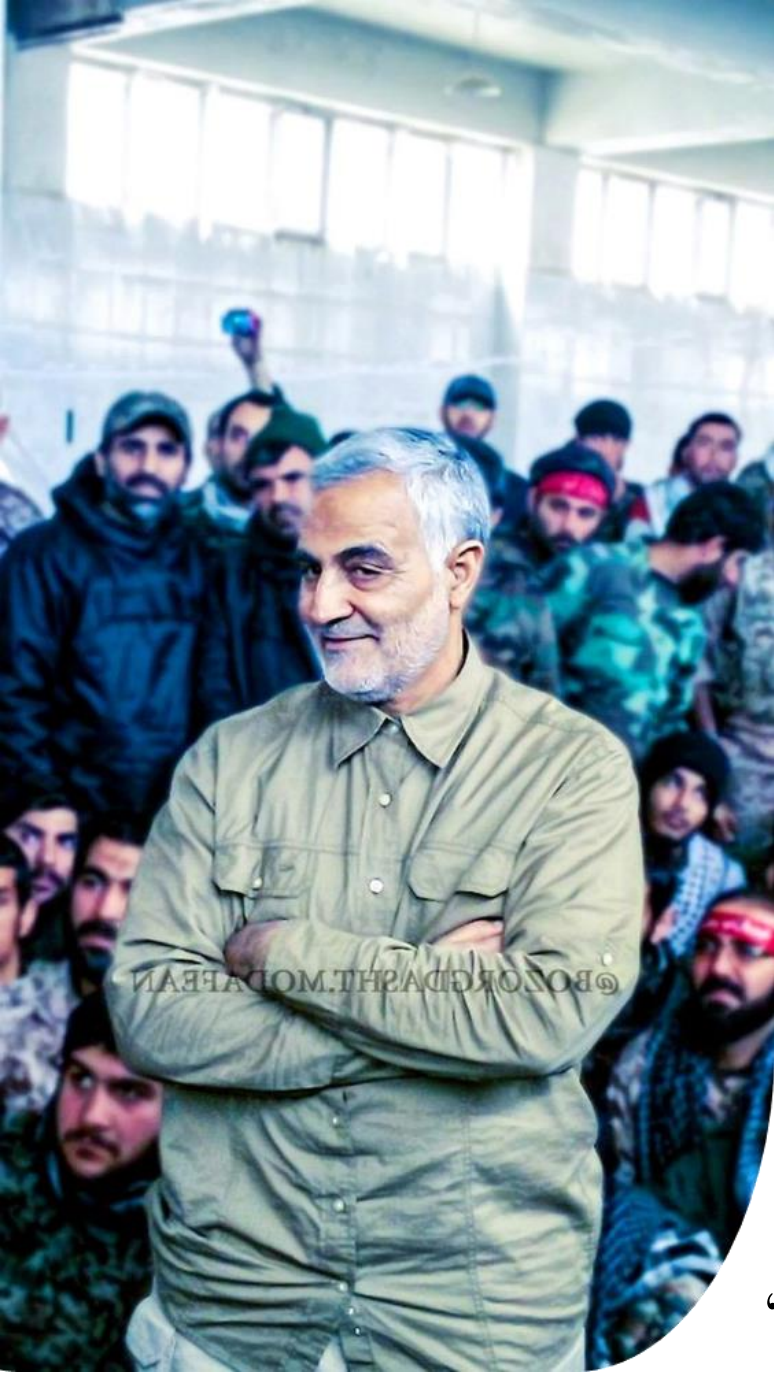
محسن حبیبی

مدیر کانون فرهنگی هنری گندم



سرمایان ولایت...





نگاه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به نقش تربیت جوانان در جامعه:

جوانان از سرمایه‌های عظیم هر ملت‌اند که می‌توانند نقش مهمی در پیشرفت یا انحطاط جامعه خویش ایفا نمایند و این امر بستگی به نوع هدایت و تربیت آنان دارد. سردار سلیمانی در سخنرانی که در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۳۰ داشتند به نقش تربیت جوانان در سربلندی و آینده کشور اشاره کردند و بیان کردند: «باید نگاه کرد که چه بذری در جامعه خود می‌کاریم. چه جوانانی در جامعه کنونی خود می‌پرورانیم. استاد عزیز! اگر جامعه فردای ما فاقد چنین جوانان فداکار و غیرتمندی شد، این جامعه اگر بالاترین ثروت‌ها را داشته باشد، با هر هجومی و هر تحرکی و هر طعمه‌ای از بین خواهد رفت. این وظیفه ملی ماست، این وظیفه انسانی ماست که این روح را، این فرهنگ را در جامعه ترویج دهیم. سردار بزرگ مقاومت و نماد مبارزه با نظام سلطه، سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی یادداشتی به برادر زاده‌اش نوشته است؛

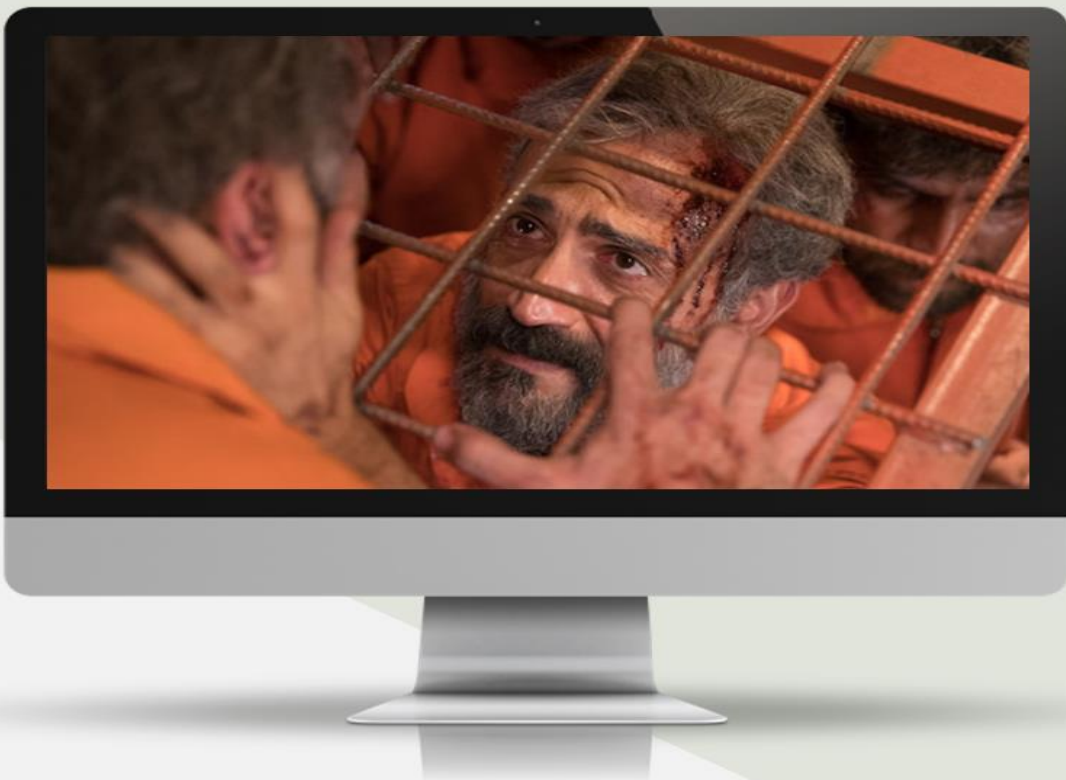
مهدی جان!

۱. تمام کسانی‌که به کمالی رسیدند خصوصاً کمالات معنوی که خود منشأ و پایه دنیوی هم می‌تواند باشد، منشأ همه آن‌ها سحر است. سحر را دریاب نماز شب در سن شما تأثیری شگرف دارد اگر چندبار آنرا با رغبت تجربه کردی، لذت آن موجب می‌شود به آن تمسک یابی.
۲. زیربنای تمام بدی‌ها و زشتی‌ها دروغ است.
۳. احترام و خضوع در مقابل بزرگترها خصوصاً پدر و مادر؛ به خودت عادت بده بدون شرم دست پدر و مادرت را ببوسی، هم آن‌ها را شاد می‌کنی و هم اثر وضعی بر خودت دارد.

بررسی فیلم «به وقت شام»

دریافت سه جایزه از سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
(بهترین کارگردانی، صداگذاری و موسیقی متن)

کارگردان و نویسنده: ابراهیم حاتمی کیا تهیه کننده: محمد خزاعی
بازیگران: بابک حمیدیان، هادی حجازی فر، پیر داغر، خالد السید، جوزیف
سلامه، رامی عطا...، لیث المفتی، علی سکر، سامر خلیلی، محمد شعبان
تصویری دوباره از رشادت و از خودگذشتگی ایرانیان در دفاع از منطقه،
پرسشی که توسط یکی از شخصیت‌ها در فیلم نیز پرسیده می‌شود؛ چرا ما در
سوریه هستیم؟ حاتمی کیا با هوشمندی در این فیلم این پرسش را روشن
می‌کند. خلاصه فیلم: علی و پدرش یونس (بابک حمیدیان، هادی حجازی فر)
دو خلبان ایرانی، برای انتقال یک هواپیما و تعدادی از اهالی شهر و چند اسیر
به تدمر (معنی: معبد آفتاب؛ شهر قدیمی است در مملکت شام مابین دمشق و
حمص) می‌روند و در یک صحنه اکشن در درگیری با عناصر داعش موفق
می‌شوند هواپیما را از فرودگاه خارج کنند. اما در بین مسیر اسرا داعشی با
کمک یک زن کنترل هواپیما را از نیروی‌های سوری خارج کرده و آن را به
دست می‌گیرند...



تحلیل و بررسی:

به وقت شام یک تراژدی تمام عیار است، قهرمان کشی اگرچه در این فیلم برای مخاطب خوشایند نیست، اما به نوعی قهرمان پروری است، قهرمانی که با شهادت ماندگار می‌شود. این فیلم به صورت نمادین بخشی از دیپلماسی ایران در جریانات سوریه را به تصویر کشیده است و به نحوی به رخ کشیدن عظمت حضور ایران در منطقه است. شجاعت، مقاومت، مبارزه، شهادت در این فیلم مهیج به تصویر کشیده شده است.

پرداخت به موضوع خطر داعش که جهان اسلام به ویژه جمهوری اسلامی را تهدید می‌نماید و همچنین اجماع غرب و اسرائیل در تاسیس و حمایت همه‌جانبه از این گروه‌های تکفیری، بسیار هوشمندانه و قابل ستایش است.

دیدن این فیلم شورو غرور و افتخار را برای مخاطب به همراه دارد. همینطور تماشای این فیلم تلخی‌هایی مثل شهادت مدافعان حرام را در خود دارد، اما این تلخی‌ها در جای خود سمبل رشادت است و موجب ناامیدی و انزوای مخاطب نمی‌شود.

در پایان نیز، روحیه امید را در مخاطب دمیده است، نمای مدرسه‌ای که کودکان و نوجوانان با آرامش در حیاط مدرسه هستند و تصاویر قطعات هواپیمای منهدم شده و فرود اسرای آزاده شده (مدافعان حرم) با چتر نجات در آسمان (به صورت پس زمینه در نمای باز)، حامل پیام امید به آینده، آرامش و امنیت در سایه فداکاری است. علاوه بر این، تصویر هوایی حرم حضرت زینب(س) نشان‌دهنده ناکام ماندن دشمن در انهدام حرم عقیده بنی هاشم(س) است. کثرت و تداوم لحظات نفس گیر، غافلگیری و تعلیق مناسب، در ایجاد نگرانی نسبت به سرنوشت زنان و مردان سوری و مدافعان حرم در تمام مدت فیلم توجه

تماشاگر را به خود معطوف می‌کند.

فیلم ساز در خلق لحظات اثرگذار و به تصویر کشیدن هیمنه، ددمنشی و شقاوت نیروهای تکفیری با بهره گرفتن از جلوه‌های ویژه میدانی، استفاده از نماهای باز و هلی‌شات‌های متعدد موفق بوده است. همچنین ریتم تند فیلم از دیگر نقاط قوت آن است.

عنصر دیگری که به کارگیری موسیقی به اندازه است و کارن همایون فر این بخش نیز از نقاط قوت به وقت شام است



آرمان‌گرایی متهم می‌کرد.

از سوی دیگر در شخصیت‌پردازی شیخ داعش، او انسانی مسلط به احکام و قرآن نشان داده می‌شود. پرت شدن پسر شیخ داعشی از هواپیما و شیخ داعشی با توجه به کشته شدن پسرش پس از فرود هواپیما در تدمر همچنان به دنبال وفای به عهد و قرار خود با یونس است. این عمل از سوی شیخ داعش شخصیت‌پردازی او را کامل می‌کند، و این را به مخاطب القا می‌کند که او انسانی به غایت معتقد به تعهد خود و همچنین متعهد به قرآن، حتی در دیالوگی رو به زن می‌گوید «من به قرآن قسم خوردم که اونها برگردن» جالب این‌جاست که به همین علت و همین تعهد توسط دیگر گروه داعشی که در فرودگاه تدمر حضور دارند کشته می‌شود!! این شخصیت‌پردازی در گفتمان کلی داستان که قرار است داعش نیروی متخاصم و منفی باشد، شخصیت شیخ داعشی را به شخصیتی اخلاقی و به اصطلاح سفید بدل می‌کند، شخصیتی که به ناگاه از نیروی مخالف قهرمان به نیروی موافق تبدیل می‌شود. برگردیم سراغ شخصیت علی به عنوان قهرمان داستان که برای نجات و آزادی مردم تدمر از هواپیما تهران بازگشت و به کمک یونس آمد، از ابتدا داستان نه تنها کنشی انجام نداد، بلکه در آستانه مرگ است (آیا علی اصلاً قهرمان است؟). علی از نظر شخصیت اول بودن و دنبال کردن داستان از ابتدا و از زاویه دید او، زمان روایی را در دست دارد.



علی؛ قهرمان نابارور «به وقت شام»

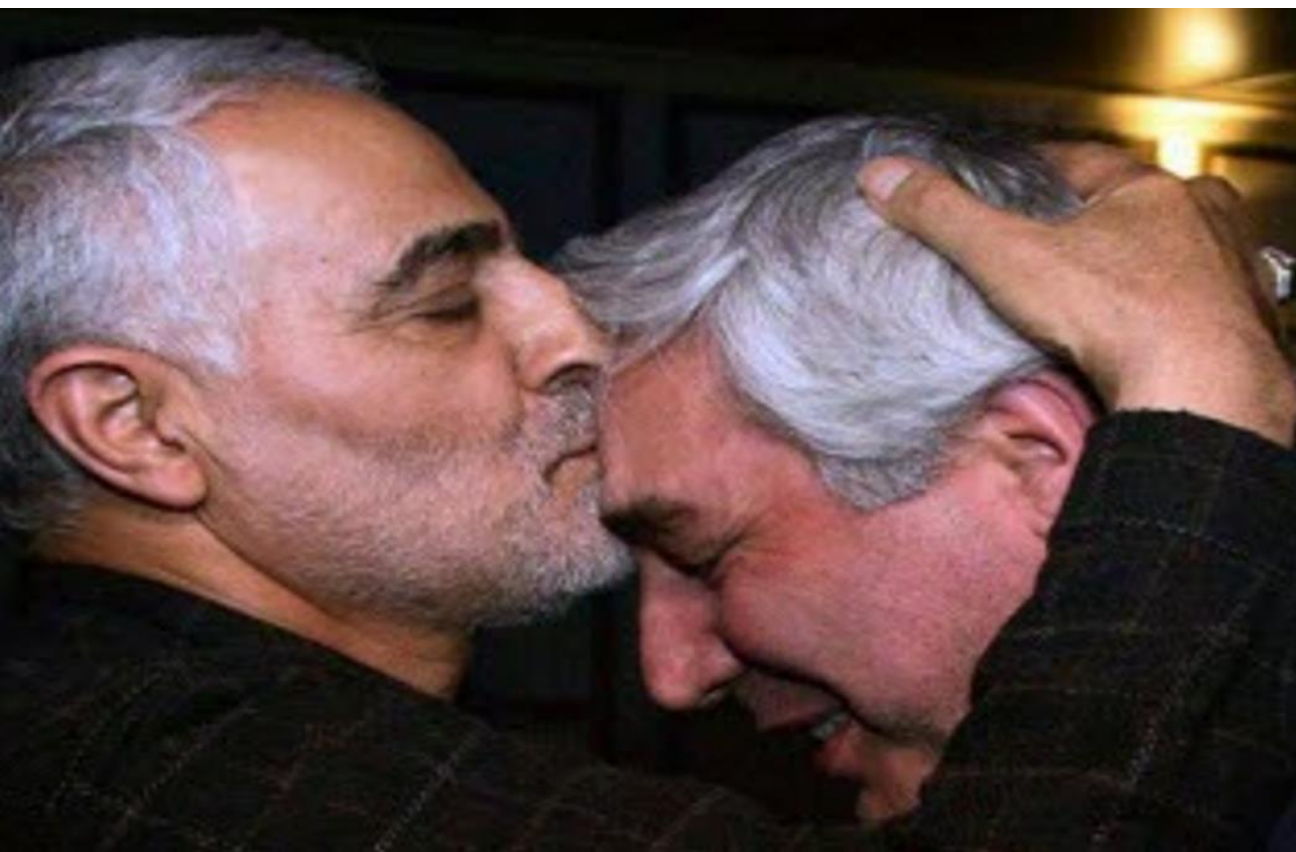
علی در ابتدای داستان، مردی احساسی، خانواده‌دوست و متعهد نشان داده شده، ناراحتی بابت از دست رفتن یک محموله کمک برای مردم سوریه که علی خلبان آن است، نگران تنها بودن پدر و بازگشت به سمت پدر برای رفتن به «تدمر» و پیامی که برای همسرش از طریق فضای مجازی ارسال می‌کند، شخصیت‌پردازی علی را پیش می‌برد. برخلاف آنچه که در ابتدا در دیالوگ‌های علی و یونس شاهد بودیم که علی در بخشی از فیلم پدرش را به سرسختی و



در مرحله بعد علی مامور پرواز با هواپیما به مقصد دمشق می‌شود، هواپیما که کاملاً تحت کنترل داعش است، باید به سمت دمشق پرواز کند و در یک عملیات انتحاری منفجر شود. در این مسیر زنی به عنوان کنترل‌کننده وضعیت هواپیما حضور دارد که اگر علی در فرمان سرپیچی کرد با سویچ مواد منفجره را فعال کرده و هواپیما را منفجر کند. قهرمان که به نوعی از مرگ بازگشته است، باید با کنشی جان دیگران را نجات دهد. قهرمان داستان که از ابتدا داستان در هیچ یک از عناصر پیشبرنده داستان شرکت نداشته حال در یک آزمون قرار می‌گیرد.

هر چند علی با ترفندی موفق می‌شود زن داخل هواپیما را شکست دهد و حتی اسرای ایرانی و سوری را آزاد کند، اما کنش پایانی علی در منفجر کردن هواپیما در آسمان در حالی که خود درون هواپیما است، معنای از خود گذشتگی و پاک باختگی را متبادر نمی‌کند. شخصیتی که حضورش در داستان هیچ نوع پیشبرندگی ندارد در نهایت به یک ابر انسان و قهرمانی تبدیل می‌شود که عمل قهرمانانه‌اش نیازمند یک روح بزرگ است، روحی که یا باید از پیش از داستان دارای آن باشد یا در داستان و در آزمون‌ها و مراحل مختلف به آن رسیده باشد. علی بدون داشتن سرچشمه‌ای در درون خود دست به عمل می‌زند، گویی که قرار گرفتن در آن موقعیت او را تحت تاثیر قرار داده و دست به چنین کاری زده است. این همان بحث ایمان است، شخصیت

با ایمان به خود دست به عمل می‌زند؟ آیا شخصیت کنش شخصیت ماحصل ایمانی است که کسب کرده؟ این در حالی است که شخصیت در یک اقدام منطقی و عقلانی می‌توانست با همراهی با اسرا از راه دور و با سویچ که در اختیار داشت هواپیما را منفجر کند و قهرمانی زنده باشد، تا اینکه یک قهرمانی که تنها در خاطره‌ها بماند. عقیم بودن کنش پایانی علی ماحصل منفعل بودن شخصیت در طول روند داستان است، داستانی که متشکل از خرده‌پیرنگ‌های بسیار و بعضاً بی‌ربط و رها شده مانند حضور جنگنده‌های روسیه که ناگهان وارد داستان می‌شوند و به همان میزان به یکباره ناپدید می‌شوند. یا حضور چند زندانی سیاسی در ابتدا داستان که لزوم معرفی آنان در داستان معلوم نیست.



نقاط ضعف:

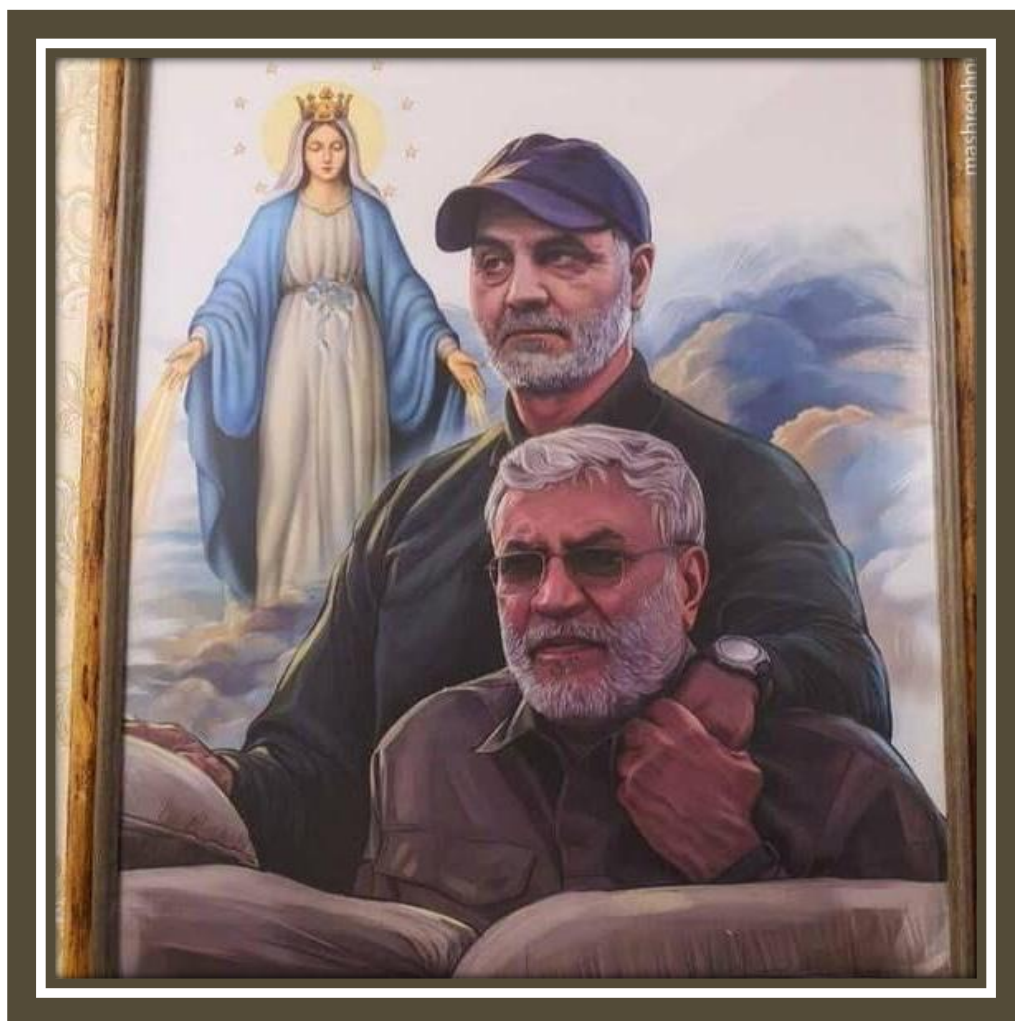
در این فیلم، جای خالی حزب الله لبنان که نقش مهم و پررنگی در جنگ علیه داعش دارند، به وضوح حس می‌شود. حتی خود نیروهای سوری هم به عنوان مدافع در فیلم حذف شده و بیشتر به صورت اسیر نمایش داده می‌شوند. بازی حاج یونس (هادی حجازی فر) به ویژه در سکانس های آغازین به خوبی جا نیفتاده و تا حدودی خام به نظر می‌رسد.

ابراهیم حاتمی کیا در خصوص واکنش حاج قاسم سلیمانی بعد از تماشای فیلم «به وقت شام» گفت:

واقعیت این است که من از برخورد با ایشان می‌ترسیدم و هنگامی هم که قرار شد با ایشان فیلم را ببینیم در هنگام دیدن فیلم حتی از ایشان دورتر نشسته بودم ولی وقتی که فیلم را دیدند و خدا را شکر راضی بودند و وقتی خواستند من را در آغوش بکشند و گریه کردند بسیار خوشحال بودم از اینکه سردار سلیمانی فیلم بنده را تحسین کردند.

منبع:

سایت خوان روزنامه دنیای اقتصاد ، تاریخ انتشار : ۱۳۹۷/۰۶/۸ ، شماره خبر: ۳۴۳۳۶۱۴



تابلویی که در منزل یک خانواده مسیحی در تهران نصب شده گویی حضرت مریم سلام الله علیها به استقبال حاج قاسم و ابومهدی آمده. وقتی شهر مسیحی نشین بیجی توسط همزمان حاج قاسم آزاد می شود یک زن مسیحی روی دیوار کلیسا نوشت: مریم مقدس راحت بخواب که دیگر مسیح به صلیب کشیده نمی شود، چون فرزندان حضرت زهرا (س) رسیدند... پی نوشت: خون های پاکی که در دفاع از همه موحدان ریخته شد در زمانه ای که امارات اسرائیل نماد خیانت یک به ظاهر مسلمان به مسلمانان است، حال خوش این خانواده به ظاهر مسیحی خریدن دارد..

معرفی کتاب:

نام کتاب:

من قاسم سلیمانی هستم، سرباز ولایت

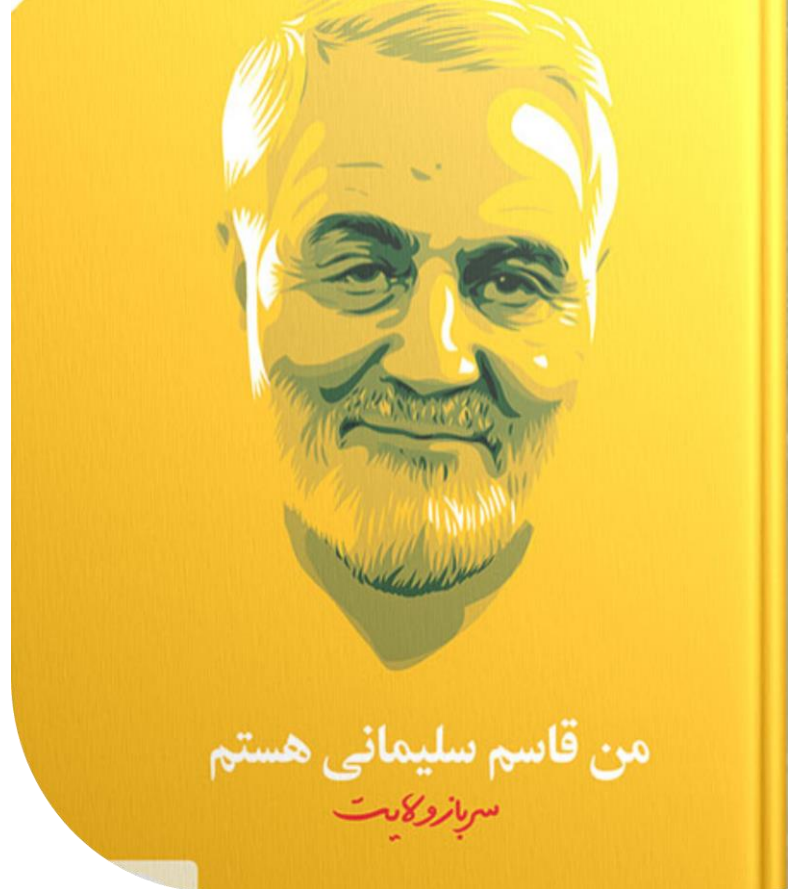
نویسنده:

ناصر کاوه

انتشارات:

نوآوران سینا

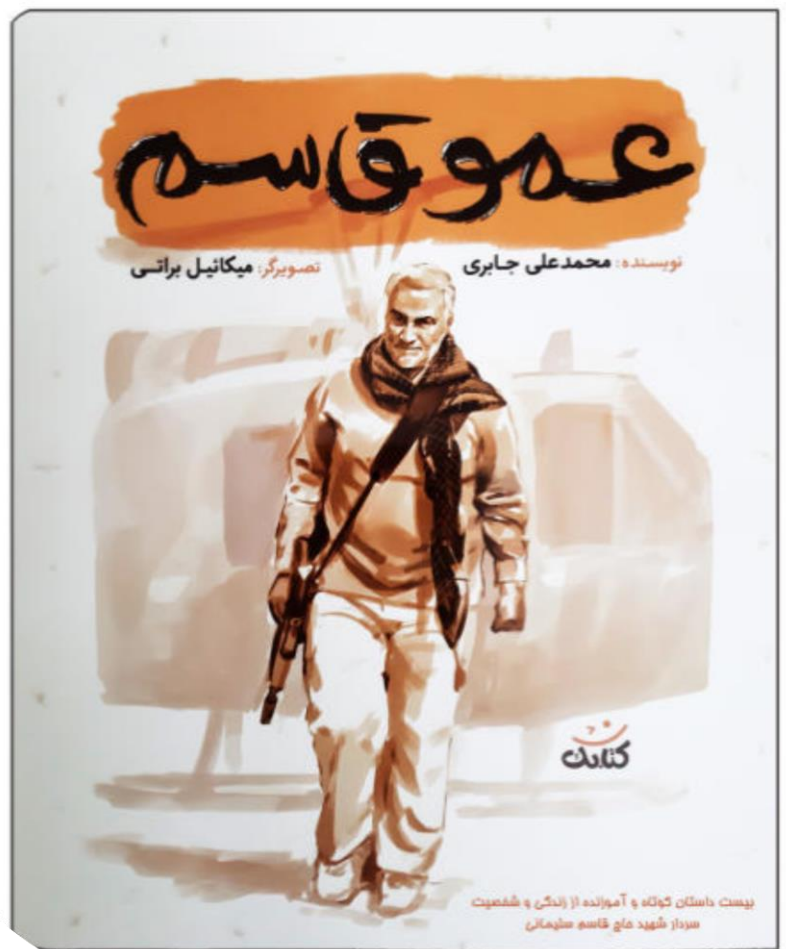
تعداد صفحات: ۱۱۲



درباره اثر:

این اثر عناوینی همچون توصیف رهبری از شهید سلیمانی، چرا مردم قاسم سلیمانی را دوست داشتند، مروری بر زندگانی شهید سلیمانی، یک خون و این همه برکت، شجاع و بی‌ادعا، مقاومت حکیمانه، قسمتی از جنایات هولناک داعش، نشانه‌های تولد خاورمیانه جدید، شهید قاسم سلیمانی برای آینده چه ساخت و متن کامل وصیتنامه شهید حاج قاسم سلیمانی را دربر گرفته است.

دربخشی از مقدمه این کتاب آمده: رسم است وقتی بزرگی یا مسئول مملکتی رخت سفر را می‌پوشد و می‌رود، به یادش دسته گلی را بر میز و صندلی او می‌نهند. عجایب هر چه می‌گردیم دفتر کار سردار سلیمانی را نمی‌یابیم. میز و صندلی او را نمی‌یابیم. خدایا دسته گل‌های مان را کجا ببریم. شهید سلیمانی از معدود فرماندهان عالی رتبه سپاه بود که در این دو دهه جایگاه عالی خود را در قلب عموم مردم ایران حفظ کرد و از آلودگی‌های سیاسی، اقتصادی و ... در امان ماند، از این رو شهادتش جانسوز است.



معرفی کتاب:

نام کتاب

: عمو قاسم

نویسنده:

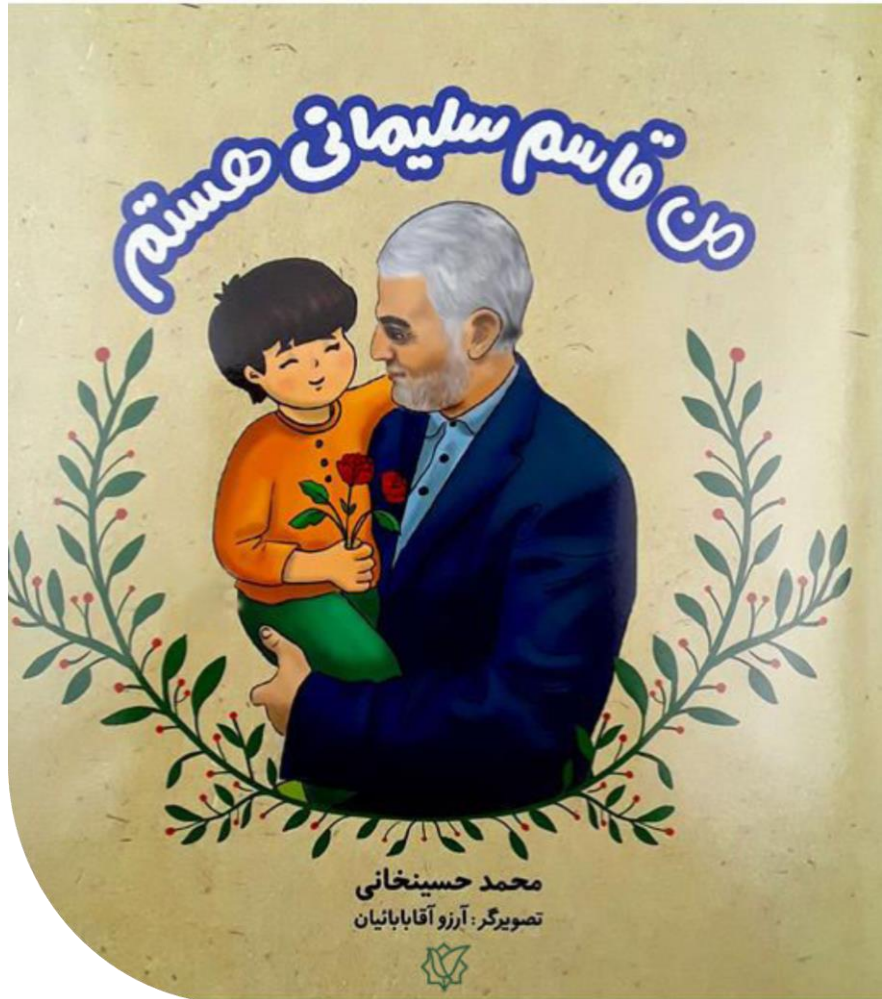
محمد علی جابری

تعداد صفحات:

۴۸ صفحه

درباره اثر:

سعی شده چند داستان بسیار خواندنی از زندگی آسمانی سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی برای نوجوانان بازگو شود. سردار می گفت: «ما ملت شهادتیم، ما ملت امام حسینیم.» ملت شهادت، فرزندان خود را با عشق شهادت تربیت می کند. بهترین راه برای ایجاد شوق شهادت نسل جدید، آشناسازی آنان با اسطوره ها و الگوهایی مانند سردار سلیمانی است. کتاب عمو قاسم کوشیده است با بیان بیست داستان، کودکان و نوجوانان را با زوایای مختلف شخصیت حاج قاسم آشنا کند. تصویرسازی های آقای میکائیل براتی و تمرین های موجود ذیل هر داستان، بر جذابیت کتاب برای مخاطب افزوده است. این کتاب با موضوع کودک و نوجوان در ۴۸ صفحه به روایت بیست داستان از زندگی سردار حاج قاسم سلیمانی می پردازد تا راه و رسم سلیمانی شدن را به کودکان و نوجوانان بیاموزد.



معرفی کتاب:

نام کتاب:

من قاسم سلیمانی هستم

نویسنده:

محمد حسین خانی

(مناسب گروه سنی ج و د)

درباره اثر:

داستانی روان و جذاب برای معرفی قهرمان ملی کشورمان به مخاطبان کودک. علاقه به شخصیت سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی مختص به گروه سنی خاص و یا شهر، استان و حتی فقط کشور ایران نیست. ایشان یکی از معدود شخصیت‌های مبارز روزگار معاصر ماست که علاقه‌مندان زیادی را در سراسر جهان دارد. من قاسم سلیمانی هستم داستانی از یک قهرمان برای کودکان. کودکان زیادی در شهادت حاج قاسم سلیمانی غمگین شدند و نسبت به جنایت آمریکایی‌ها به خشم آمدند و بی تردید کودکان امروز که آینده‌سازان آینده خواهند بود، این جنایت را فراموش نخواهند کرد. از این روز اهمیت ادبیات کودک و نوجوان برای ثبت خاطرات حاج قاسم سلیمانی و انتقال آن به مخاطبین کودک نمایان می‌شود. پس از شهادت این سردار رشید اسلام، تلاش‌های مختلفی در حوزه‌های مختلف هنری از جمله ادبیات و تاریخ شفاهی صورت گرفت. کتاب من قاسم سلیمانی هستم که روایت مراحل مختلف زندگی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی از تولد تا شهادت را برای آینده‌سازان این مرز و بوم روایت می‌کند، یکی از کارهای ارزنده‌ای است که این روزها منتشر شده است. این کتاب به قلم #محمد_حسینخانی از هم‌زمان، همکاران، دوستان و همشهریان شهید سلیمانی نوشته شده است. حسینخانی کتابت زندگینامه سردار دلها را برای سایر گروه‌های سنی در دست اقدام دارد. از وی تاکنون هشت اثر به بازار نشر عرضه شده است.

معرفی کتاب:
 نام کتاب:
 من یک حاج قاسم
 سراینده:
 مجتبی کرمی
 تصویرگر:
 سمیه صالح شوشتری
 ناشر:
 جمال

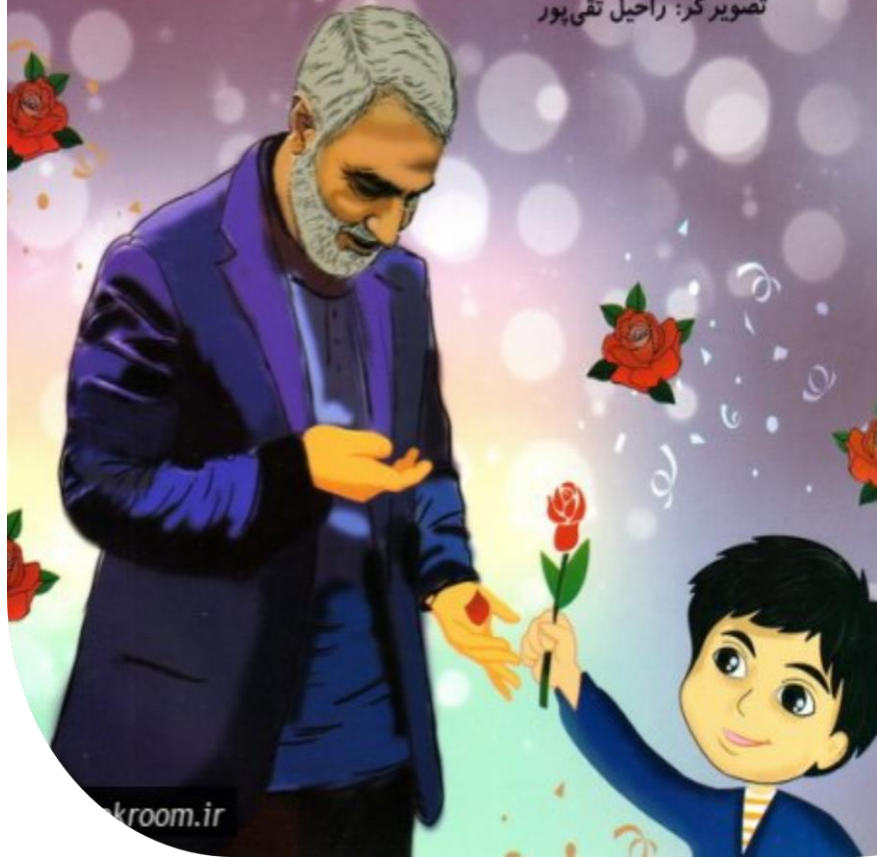


درباره ی اثر:

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی اسمی است که سالیانی طولانی بر زبان کوچک و بزرگ مردم این سرزمین خواهد بود. آنچه از این شهید مقاومت و محبت، شخصیتی جاودانه ساخت، پیوند او با ماندگارترین خوبی‌هاست ... "من یک حاج قاسم" تلاشی است در قالب شعر کودکان، برای آشنایی کودکان سرزمینمان ایران، با این قهرمان بزرگ! نشر جمال افتخار یافته آثار کودکانه‌ای درباره این اسوه ماندگار منتشر کند. امید که فرزندانمان به باوری شیرین و تصویری روشن از او دست یابند و راهش را ادامه دهند ... فرزندان چقدر حاج قاسم را می‌شناسند؟ نشر جمال سعی کرده است با چاپ کتاب "من یک حاج قاسم" کودکان را با شخصیت این شهید والا مقام آشنا سازد. حاج قاسم آرزوی شهادت داشت و برای این آرزو سال‌ها تلاش و کوشش کرد و برای دفاع از میهن عزیزمان با دشمنان جنگید.

آرزوی گل سرخ

مؤلف: منیره میرزایی
تصویرگر: راحیل تقی پور



معرفی کتاب کودک:

نام کتاب:

در آرزوی یک گل سرخ

نویسنده:

منیره میرزایی

تصویرگری:

راحیل تقی پور

درباره ی اثر:

در آستانهٔ چهلمین روز شهادت سردار دلها؛ کتاب در آرزوی گل سرخ توسط حوزهٔ کودک و نوجوان مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت (گل آبی) به بازار نشر عرضه شد. موضوع این کتاب دربارهٔ هدیهٔ گل سرخی است که فرزند یکی از شهدای مدافع حرم، در نماز به سردار دلها، شهید حاج قاسم سلیمانی هدیه کرد و این تصاویر از سیمای جمهوری اسلامی ایران بارها پخش شد. کتاب در قطع خشتی و ۱۶ صفحه منتشر شده است.

معرفی کتاب کودک:

نام کتاب:

منم می شم یه حاج قاسم

ناشر: عطر جمال



درباره ی اثر:

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شخصیتی است که تا زمانی که مرام و مسلک ایستادگی در مقابل ظلم و انتخاب عزت به جای ذلت در این جهان طرفدار داشته باشد، در خاطر کوچک و بزرگ مردم این سرزمین و جهانیان خواهد ماند. آنچه از این شهید مقاومت و محبت، شخصیتی جاودانه ساخت، پیوند او با ماندگارترین خوبی هاست... منم می شم یه حاج قاسم تلاش دیگریست از نشر عطر جمال برای آشنایی کودکان سرزمینمان ایران، با این قهرمان بزرگ...



شکر که ماه کامل شد...

عوامل فیلم:

نویسنده و کارگردان: نرگس آبیاری

تهیه کننده: محمدحسین قاسمی

بازیگران: الناز شاکردوست، هوتن شکیبا،

فرشته صدرعرفایی، شبلم مقدمی، پدرام

شریفی، فرید سجادی حسینی، امین میری،

بانپیل شومون و آرمین رحیمیان.

خلاصه فیلم:

حمید (هوتن شکیبا)، عاشق، فائزه (الناز

شاکردوست) می شود. مدتی پس از ازدواج

شیرین و رویایی حمید و فائزه، خانواده

حمید درگیر حوادثی می شوند که شک فائزه

را برمی انگیزد و بعد از تولد اولین فرزندش

متوجه می شود که برادرشوهرهایش، درگیر

قاچاق و دزدی هستند. فائزه، که به شدت

ترسیده، از حمید درخواست می کند که از

ایران بروند و حمید هم که عاشقانه همسرش

را دوست دارد موافقت می کند. حمید به

پاکستان می رود تا کارهای مهاجرت را جور

کند و کمی بعد، فائزه به همراه برادرش نزد


او می روند و این آغاز جهنمی است که فائزه

و برادرش را در خود فرو می برد...

نقاط قوت:

انتخاب یک داستانی رئال و زندگینامه‌ای که به باور مخاطب کمک می‌کند از فضای فیلم بهره بیشتری ببرد. ریتم مناسب فیلم هم توانسته باه لحنی متناسب با ماهیت قصه دست یابد و به خوبی از جزئیات کمک گرفته تا داستان پیش برود، تعلیق داستان مخاطب را جذب می‌کند، اطلاعات شخصیت‌ها و داستان در جای مناسبی به مخاطب داده می‌شود حتی با وجود زمان طولانی، خسته کننده نیست. سکانس‌هایی مطلوب، اثرگذار و شیرین از روابط خانوادگی که فضای فیلم را ملموس می‌کند، ویژگی دیگر این فیلم در بر داشتن، شناساندن آیین‌ها و سنت‌های رایج در کشور است.

بازی فرشته صدرعرفایی و هوتن شکیبا قابل تقدیر است. هوتن شکیبا به شکل شگفت‌انگیزی از مردی عادی و عاشق خانواده تبدیل به روحی سیاه و سرگردان می‌شود و باورپذیری کاراکتر عبدالحمید به دلیل بازی درخشان اوست. فرشته صدرعرفایی با سکوتی که در نیمه اول فیلم دارد و دیالوگ‌های اندکش در نیمه دوم فقط با نگاه و با چهره‌ای که نشان از سختی روزگار دارد، نفس‌گیر است. زنی که شرمندۀ رفتار پسرانش است و تسلیم تقدیر. پدرام شریفی و الناز شاکردوست، به فیلم ابعاد انسانی و دوست‌داشتنی می‌بخشند و شب‌نم مقدمی که حضور فرعی‌اش محبت‌مادری را نمایش می‌دهد. این فیلم به خوبی توانسته چهره‌ی قومیت‌های ایرانی را از



تکفیری‌ها تفکیک کند. فیلم تصویر درست و مثبتی از مردم سیستان و بلوچستان ارائه کرده است؛ به طوری که مخاطب خیلی خوب تفاوت بین بلوچ‌های خوب و میهن‌پرست را با تفکیری‌های بلوچ متوجه می‌شود. همچنین فیلمساز تصویر بسیار خوبی از جنوب کشور و به خصوص منطقه‌ی بلوچستان نمایش می‌دهد.

فیلم به خوبی توانسته تفکر تکفیری را به تصویر کشیده و نشان دهد که چگونه این تفکر یک آدم عاشق را به یک قاتل و جنایتکار تبدیل می‌کند. همچنین بین مردم بلوچ که مردمی خونگرم و مهمان‌نوا هستند، با آدم‌های سنگدل، وحشی و قاتل که با گویش بلوچی صحبت می‌کنند، به خوبی تفکیک قائل شده و اهل سنت را از این جماعت به خوبی تمییز داده است.

قصه‌گویی اپراگونه و هولناک، نقد «دبورا یانگ» بر «شب‌ی که ماه کامل شد»:

به گزارش سینماپرس، «دبورا یانگ» منتقد هالیوود ریپور، نقدی بر فیلم «شب‌ی که ماه کامل شد» نوشته که مجله نقد سینما آن را ترجمه کرده است:

در بازگویی دراماتیک «نرگس آبیاری» از داستانی واقعی، عروس جوان و بی‌غم ایرانی خیلی دیر متوجه می‌شود که خانواده شوهرش کماندوهای القاعده هستند.

«نرگس آبیاری» با در هم تنیدن درام سیاسی، وقایع تاریخی، داستانی عشقی، و فیلمی ترسناک در یک قصه پرتعلیق و اضطراب‌آور در فیلم «شب‌ی که ماه کامل شد» خودش را به‌عنوان یکی از جذاب‌ترین استعدادهای جدید کارگردانی در ایران تثبیت می‌کند. پس از دو فیلمی که به زوایای انسانی جنگ ایران و عراق پرداخته بودند «شیار ۱۴۳» و «نفس»، او مستقیم سراغ القاعده رفته؛ در فیلمی اپراگونه و اغراق‌آمیز، که همین برای وحشت کردن از آن کافی است وقتی بدانیم بر اساس داستانی واقعی ساخته شده. رؤیایی گُل‌گون و رمانتیک که به خطا می‌رود، خطایی بزرگ، و نیم ساعت پایانی آن یک فیلم ترسناک خالص است.

این فیلم در جشنواره فیلم فجر در ماه فوریه (بهمن) جوایز بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و ۳ جایزه بازیگری را جارو کرد و هر کجای دیگری که اکران شود نیز احتمالاً جوایزی را از آن خود خواهد کرد.



نقاط منفی:

این فیلم به‌طور واضحی ظلم مردان به زنان را به تصویر می‌کشد. تمام مردان کنشگر فیلم یا به فکر خودشان و یا ظالم هستند.

با توجه به اینکه موضوع فیلم به موضوع امنیتی (عبدالملک ریگی) پرداخته است اما ضعیف‌ترین مدل کمین از طرف نیروهای سپاهی علیه گروه جنرال‌الله نمایش داده می‌شود، از طرفی کم رنگ بودن نیروهای اطلاعاتی در این فیلم با توجه به اینکه موضوع فیلم رئال است، کمی جای تامل دارد.. هیچ واکنشی از جانب نیروهای اطلاعاتی علیه جنرال‌الله در فیلم دیده نمی‌شود. فعالیت نیروهای اطلاعاتی، فراری دادن فائزه بوده که آن هم ناموفق است. این فیلم آن‌گونه که بایسته و شایسته است، اقتدار نیروهای نظامی و امنیتی ایران را نشان نمی‌دهد.

گروهش که تا بن دندان مسلح‌اند با وانت‌های زرهی به شکل دیوانه‌واری در صحرا حرکت می‌کنند تا نیروهای حکومت را جا بگذارند؛ در سکانسی که در مقایسه با صحنه‌های «مکس دیوانه» حرف برای گفتن دارد. البته صحنه‌های صحرا که از مخاطب می‌طلبد از ذهن فائزه (با بازی الناز شاکردوست) خارج شود و به ذهن عبدالحمید (با بازی هوتن شکیبا) برود، شات‌هایی پراکنده هستند که به خوبی پرورش داده نشده‌اند

شاید شات پایانی فیلم نیز موجب پشیمانی باشد؛ شاتی که در آن آبیار و همکار فیلمنامه‌نویسش مرتضی اصفهانی سعی می‌کنند پایان‌بندی فیلمشان دوگانه‌ای داشته باشد، در حالی که واضح هست فقط یک پایان دارد. از این رو «شاکردوست» با بازی مناسب قوس شخصیتی درستی خلق می‌کند؛ از معصومیت کاملش تا اطمینانی سرد و بی‌روح از این که او در تله گرفتار شده و نمی‌تواند فرار کند، زیرا نمی‌تواند بدون پسرش برود...

«شب‌ی که ماه کامل شد» فیلم بی‌نقصی نیست (زاویه دید شخصیت‌ها مثل شن صحرا جابه‌جا می‌شود، که ایجاد و ساخت تعلیق را تقلیل می‌دهد؛ و حتی زمان بیش از دو ساعته فیلم برای پرداختن کامل به صحنه‌های القاعده بسیار کم است). اما کمبودی که در عمق فیلم وجود دارد به‌وسیله صراحت پرحرارت در فیلم‌سازی جبران شده است.

نکته جذاب دیگر فیلم بازیگران دلربای نقش اول هستند؛ به ویژه الناز شاکردوست در نقش زن جوان و خندانی که از خواب غفلت بیدار نمی‌شود (غفلت از این که شوهرش دارد او را به کجا می‌کشاند) تا این که خودش را در وسط مهلکه‌ای کابوس‌وار می‌بیند. صحنه‌های آغازین به سرعت رد می‌شوند. ضرب‌آهنگ مهیج نیمه اول فیلم، مدرن و گول‌زننده است و با لالایی این فکر را به مخاطب القا می‌کند که قصه با همین لحن کنایه‌آمیز ادامه پیدا خواهد کرد. اما این گونه ادامه نمی‌یابد.

«شب‌ی که ماه کامل شد» فیلمی است که در آن حقایق بیش از آن عصبانی‌کننده و پر از خون هستند که بشود در داستانی خیالی به آن پرداخت و این مسئله حل نشده فیلم است.

رویکرد امیدبخش آبیار این است که

بیش از پیش در واقعی نبودن یک

پایگاه القاعده شیرجه بزند

(فاصله کوئته پاکستان تا

افغانستان کم است)؛ پایگاهی

که توسط منادی مرگ هولناکی

به نام عبدالمالک مدیریت می‌شود.



فیلم رد خون

کارگردان: محمد حسین مهدویان

تهیه کننده: سید محمود رضوی

داستان: موضوع فیلم درباره عملیات مرصاد است. بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران منافقین تصمیم گرفتند طی عملیاتی با عنوان #فروغ_جاویدان، به فکر تصرف ایران برآیند و... همراهی رژیم بعث با منافقین و نشان دادن ماهیت واقعی و غیرانسانی آنها از نکات دقیق فیلم است. این فیلم نمایش اقتدار نیروهای نظامی ایران و البته از سویی توانایی نیروی منافقین و ورود آنها به مراکز اداری در مرزها و نزدیک شهر کرمانشاه را نشان می‌دهد.

رد خون ماجرای افکار و عقاید آدم‌هایی است که برای آغاز عملیات جنایت بارشان پیامبر(ص) و امام حسین(ع) را یاد می‌کنند، تا با تانک وارد خانه مردم شوند، تیربارانشان کنند و بعد زنده زنده بسوزانندشان! امام جماعت منافقین (برادر کریم) پس از نماز جماعت، دستور قتل عام مردم را می‌دهد

و آنها را می‌سوزاند. این قسمتی از چهره منافقین و ذات آنها را داشت، و به نظر می‌رسد حتی در این ماجرای پیچیده هم، عشق در داستان وجود دارد، عشقی که منافقین با باب کردن ازدواج تشکیلاتی ذبحش می‌کنند. ضعف در شخصیت پردازی، آسیب جدی به این فیلم خوب زده است، و داستان‌های فرعی آن را به بیراهه می‌برد، اما مهدویان به لحاظ میزانشن و کارگردانی بسیار عالی عمل کرده است.

در پایان فیلم، برای دیدن رشادت‌های بیشتری از شهید بزرگوار صیاد شیرازی مخاطب را در انتظار نگه می‌دارد؛ شاید رد خون دیگری در راه باشد. این فیلم به لحاظ صحنه‌هایی که حاوی خشونت شدید است، مناسب زیر ۱۲ سال نیست، اما لازم است بقیه آنرا ببینند، تا یادمان باشد چه بر ما گذشته است... تا قدر بدانیم امنیت امروزمان را! و خاضعانه و خاشعانه از خداوند مهربان بخواهیم کَهْرَبْنَا لَا تُزَعِّ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ



مجموعه فیلم
مکتب سلیمانی

درخواست اکران: @EkranYar یا مراجعه به سایت Ekran.AmmarFilm.ir

مستند برهنگی کدخدا
کارگردان: محمد نوروزی
زمان: ۶۶ دقیقه
فروپاشی قدرت آمریکا، واقعیت یا تخیل؟ روایتی گیرا از اضمحلال قدرتی که هفتاد سال پیش قدرت یگانه‌تاز جهان بود.

مستند قائد الحشد (بغداد یک و بیست)
کارگردان: مهدی لارویی
زمان: ۶۳ دقیقه
روایت نزدیک و گیرا از شهید ابومهدی المهندس و شهید سلیمانی

Gandom Team

🎬 اکران فیلم‌های مکتب سلیمانی به یاد سردار

با توجه به درخواست‌های مکرر برای معرفی فیلم‌های مرتبط با سردار دلها، مستندهای «قائد الحشد» و «برهنگی کدخدا» از آثار جشنواره یازدهم فیلم عمار، از امروز تا ۱۹ دی ماه اکران میشود.

◆ درخواست اکران این مستندها: پیام به @EkranYar اکران‌ها به دو صورت اکران مردمی آنلاین و اکران با نرم‌افزار سینما مردم انجام می‌شود.



چه کسی از سردار می ترسد؟!

تابستان ۱۳۹۰ بود. یکی از رفقا که می دانست سرم برای سوژه های اطلاعاتی و امنیتی درد می کند، مقاله ای در یکی از مجلات بین المللی نشانم داد که در مورد خطرات ژنرالی ایرانی به نام "قاسم سلیمانی" هشدار می داد!

تا به حال اسمش را نشنیده بودم اما سیمایش کاریزمای خاصی داشت. نویسندگی آمریکایی، با آب و تاب در مورد توانمندی های او عراق و نیروی تحت امرش، "سپاه قدس" را ترکیبی مشابه از نیروهای ویژه ی نظامی و سازمان سیا معرفی کرده بود. هر جا که دستم رسید، شروع به کنکاش در مورد این ژنرال مرموز کردم. زندگی جالبی داشت و از چوپانی و بنایی به فرماندهی لشکر کرمان و بعدها نیروی قدس رسیده بود. تحلیلیم این بود که آمریکایی ها بی خود او را در بوق و کرنا نکرده اند و حتماً برایش طرح و نقشه ای دارند. با خودم گفتم چرا ما باید زمین این بازی را به آن ها واگذار کنیم تا سردارمان را مصادره به مطلوب کنند! دردسرتان ندهم. نامه ای که می بینید حاصل تلاش های من و دوستم میثم است برای ساختن يك فيلم و مجموعه کار رسانه ای در مورد او. پاسخی که سردار آسودی همان وقت گفت روزی يك #سند_تاریخی خواهد شد...

محسن سوهانی 

محسن سوهانی: «سلام و عرض ادب، بنده هم تبریک و تسلیت عرض می‌کنم سالگرد شهادت حضرت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی را به سرکار عالی و خوانندگان عزیز.

در خصوص این سوال، در وهله نخست لازم است، واژه استراتژی که ریشه یونانی دارد، تعریف شود. «استراتگیا» ((Strategia؛ به معنای فرماندهی نظامی است و استراتژی مفهومی است که از اوایل قرن بیستم به تدریج از فضای نظامی وارد حوزه‌های نرم شده است. تعریف ساده‌تر، به معنی تعیین اهداف و طرح‌ریزی، برنامه‌های دقیق برای دستیابی به آنهاست. این واژه در یکی دو قرن آخر، تبدیل به یک مفهوم پرکاربرد شده به خصوص در حوزه‌های مختلف، اقتصادی، سیاسی و حوزه مدیریت استراتژیک که بالاترین سطح از سطوح مدیریت است، به کار برده می‌شود.

مصاحبه اختصاصی با جناب آقای سوهانی (پژوهشگر حوزه رسانه و ارتباطات) در خصوص سریال «خانه امن» (این سریال به «سردار قاسم سلیمانی» تقدیم شده است) به مناسبت سالروز شهادت سردار سلیمانی:

سلام و عرض ادب، جناب آقای سوهانی، عرض تسلیت به مناسبت شهادت ناجوانمردانه سردار جان‌ها، که سریال خانه امن به ایشان تقدیم شده، داریم و برآنیم بدانیم چقدر ساخت اینگونه تولیدات در این زمان، لازم و ضروری است.

سوال ۱. لطفاً یک تعریف ساده و اجمالی از فیلم و سریال استراتژیک که مبنای امنیتی دارد بفرمایید؟



در واکاوی دقیق‌تر در رسانه و تلویزیون در زمان جنگ سرد، به دو سبک و سیاق مختلف از سوی این دو قطب می‌رسیم و می‌بینیم، آمریکا از روش‌های خلاقانه‌تر و هنرمندانه‌تری در نظام سینمایی هالیوود و تولیدات رسانه‌ای استفاده کرده در حالیکه بلوک شرق کاملاً مبتنی بر شعار و پروپاگاندا و بیان مستقیم بود و به تدریج شاهد بودیم، آمریکا، در حوزه نرم، با ارتش سینمای هالیوودی‌اش موفق شد، بلوک شرق رو تصرف کند و نظام شوروی سابق و بلوک شرق و شوروی از درون فروپاشید و آمریکا اصطلاحاً هژمونی یا سیطره‌اش رو بر دنیا حاکم کرد.



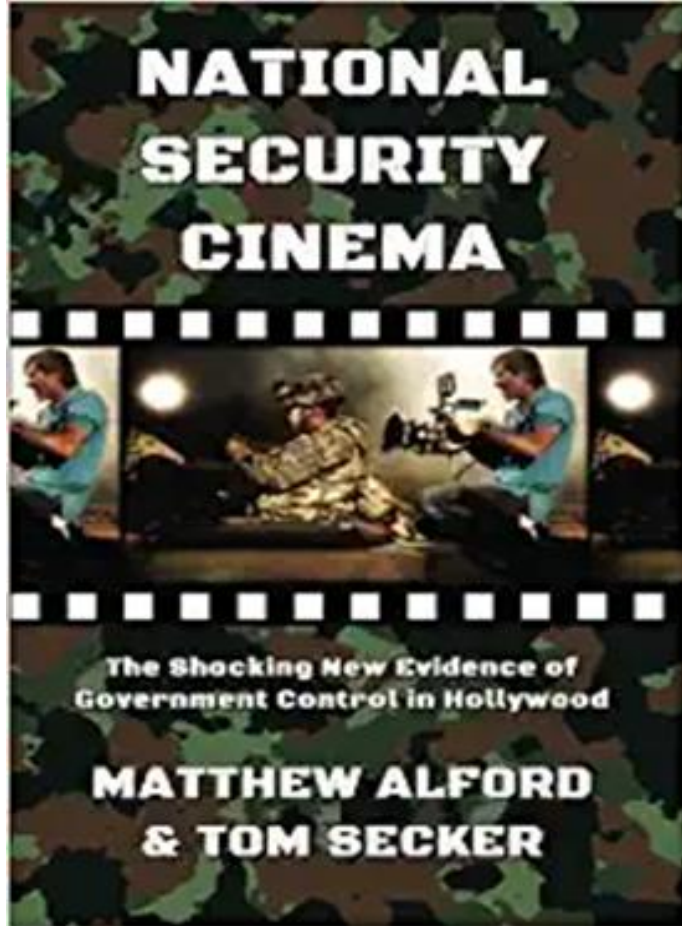
پس «سینمای استراتژیک» که یکی از پیشگامانش هالیوود است، سینمای است که در حوزه جنگ نرم، برای رسیدن به اهداف پنهان سیاسی و خاص ایدئولوژیکی از ابزار هنر، رسانه و سینما استفاده کرده است.

و تاکنون که عرصه اصلی این جنگ‌ها (که شکل پیچیده‌تری گرفته و مفاهیمی از قبیل «قدرت نرم» کم‌کم به «قدرت هوشمند»، «قدرت گزنده» تبدیل شده و حتی برای فشار اقتصادی از ابزار رسانه استفاده می‌شود.

اما جمهوری اسلامی ایران، که در کنار تحریم‌های ناجوانمردانه اقتصادی (تروریسم اقتصادی)، ترور دانشمندان هسته‌ای و نخبگان (که به تازگی شهید فخری‌زاده، و قبل از ایشان شهید عزیزمون حاج قاسم سلیمانی بود)، دست می‌زند، و جدای از این فشارهای سخت، با انواع و اقسام شبکه‌های تلویزیونی معاندی که به روزترین عملیات و شگردهای روانی را به کار گرفته‌اند و در حوزه سینما و هنر و... نیز آرام ننشسته و در حوزه جنگ نرم نیز ما را بمباران می‌کنند. هستیم.

سوال ۲. لطفاً به طور دقیق نسبت این واژه «نظامی» با «هنر و رسانه» را برای ما شرح دهید؟

– «گفتیم که این واژه ریشه‌ای نظامی دارد در اینجا لازمه یک فلاش بک (به قول سینمایی‌ها) بزنیم و برگردیم به دوران معروف «جنگ سرد»، زمانی که دو قطب قدرت بزرگ جهان یعنی آمریکا (سردمدار تفکر راست یا به قول گفتنی لیبرالیستی) و بلوک شرق به سردمداری شوروی سابق (سردمدار کمونیستی و چپ) بود، سال‌ها، بی آنکه، این دو قطب دست به اسلحه ببرند، یک نبرد پنهانی در حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی و جنگ نرم را با هم شروع کرده‌اند، که به جنگ سرد معروف شده، در این دوره، آمریکا به این نتیجه رسید که در کنار قدرت سختی که دارد، روش‌ها خلاقانه‌تری را به کار گیرد و با هنر و رسانه، قدرت نرم را در کنار قدرت سخت به عنوان سلاح نظامی اثرگذار استفاده کند، که بزرگترین آنها سینما بود.



پس، هنر و رسانه و سینما، سنگر مهمی است، و سینمای استراتژیک برای گفتمان انقلاب اسلامی و برای جمهوری اسلامی ایران سنگری بزرگ و مهم در راستای جنگ نرم است و البته یک ابزار بسیار مهم برای اهداف آرمانی که ما مردم ایران زمین با توجه به فرهنگ غنی، سالهاست برای خود متصور هستیم.

حال، رابطه سینمای استراتژیک با امنیت و دستگاه‌های اطلاعاتی، منابع بسیار متعددی وجود دارد. و در این زمینه افشاگری‌های مختلفی صورت گرفته که می‌تواند زمینه مطالعه و پژوهش برای دانشجویان حوزه سینما و پژوهش هنر و مدیریت رسانه باشد. به عنوان مثال می‌توان به کتاب

National-Security-Cinema-Government-Hollywood

اثر (متیو آلفرود به همراه تام سکر) اشاره کرد. که در آن بسیاری از اسناد و مستندات درباره رابطه مستقیم سازمان سیا (سازمان امنیت ملی آمریکا) و پنتاگون با هالیوود و حوزه‌های فیلمسازی منتشر شده می‌توان اشاره کرد.

در حوزه سینما و رسانه کارهایی انجام شده مثل سریال تهران (که کار ضعیفی است) و کارهایی که در این زمینه تولید می‌کنند قابل بررسی است.

سوال ۳. بحث مهم دیگر اینکه، فیلم یا سریالی‌هایی که مبنای امنیتی دارند و با سرمایه‌گذاری نهاد امنیتی داخلی ساخته می‌شود، بر مخاطب اثرگذاری لازم را خواهد داشت؟ یا ممکن است مخاطب را دچار شعارزدگی کند؟

این سوال مهمی است و بستگی به سبک، شیوه و تکنیک فیلم دارد. تا اینجا، به این نتیجه

رسیدیم که سینمای استراتژیک و امنیتی یک ضرورته، یعنی حوزه مهم جنگ نرم، که باید اتفاق بیفتد، دوره جنگ نرم به نوبه خود از نظر شیوه‌های مختلفی که هالیوود و شوروی به کار گرفتن و تفاوت‌هاشان، درس آموز است (شیوه شوروی بیان مستقیم و شعاری بود و امریکا سعی کرد از روش‌های غیرمستقیم و هنرمندانه‌تری استفاده کند).

به هر حال ما تولیداتی هم داشتیم که خیلی شعاری و بیان مستقیم بوده، از طرفی مخاطب نیز این نگرش نادرست را پیدا کرد که کارهای سفارشی، شعار زده‌اند و استقبال چندانی از این آثار نشد، اما این یک قاعده نیست در واقع به نظرم بایستی نهادهای امنیتی، که به دنبال فکر و طرح و برنامه آثار استراتژیک هستند حتما از روش‌ها و شیوه‌های غیرمستقیم استفاده کنند و زبان هنر و سینما و درام را به کار گیرند.

در این حوزه، حکم تیغ دو دم را دارد. و نکته مهم‌تر تربیت و تقویت نیروی انسانی خوب در این حوزه است، که در حوزه سینما بتوانند، اهداف مهم امنیتی و استراتژیک رو پیش ببرند و بتوانند این اتفاق را با بیان هنرمندانه جذاب و خلاقانه، پیش ببرند.

سوال ۴. سریال «خانه امن» در حوزه تعامل میانه هنر، رسانه، امنیت و اطلاعات چقدر موفق بوده است؟ همچنین محصولی چقدر به حساب می‌آید؟

بنظرم در نقد چنین تولیداتی باید سخت‌گیر بود، چون ما در این ژانر در پی رسیدن به نقطه ایده‌آل و تکامل هستیم، پس لازمه خیلی سخت‌گیرانه نقاط ضعف رو شناسایی و سعی کنیم به مرور در تولیدات بعدی تبدیل به نقاط قوت کنیم و البته نباید از دایره انصاف خارج شد و نقاط قوت کار را ندید. در مورد این سریال باید دید در دو تولید قبلی این گروه، میتوان گفت که گام به گام مسیر پیشرفت و تعالی را طی کردند، خب این جای تبریک و تشکر و تقدیر دارد.

برای مثال فیلم «شبی که ماه کامل شد» به کارگردانی خانم نرگس آبیاری، در این فیلم کارگردان و نویسنده با اصل موضوع که یک اصل سخت و جناحی بود (موضوع عبدالمالک ریگی، که در وهله اول یک کار سفارشی و شعاری به نظر می‌رسد) اما کارگردان و نویسنده با به کارگیری هنر خود و چرخش زاویه دید متفاوت، یک مساله سیاسی را با یک داستان عاشقانه و یک عشق نافرجام که سایه تروریسم و تفکر تکفیری، زیبایی‌های آن را به ورطه نیستی و نابودی کشید به شکل بسیار تکان دهنده‌ای به تصویر کشیده و حتی این فیلم در جشنواره‌های جهانی هم مورد استقبال و اقبال بود. حتی «دبورا یانگ» (منتقد آمریکایی) نقدی بر این فیلم نوشته و باعث ظهور و بروز این کار در عرصه جهانی شد، یعنی ما به اهداف استراتژیک خود رسیده‌ایم و در واقع تونستیم اعلام کنیم که ایران قربانی تروریسم است. ما در رسانه و سینما نیازمند بیان هوشمندانه ظریف و هنرمندانه‌ایم و کار کردن



اما از طرفی تا رسیدن به نقطه ایده‌آل فاصله دارد، البته تاکنون این سریال بازخورد خوبی داشته و با یک رصد ساده می‌توان فهمید مردم ما هم به این ژانر علاقمندند، استقبال از سریال «گاندو» هم از نشانه‌های علاقه مردم به این ژانر است و البته این ژانر، ژانر محبوبی در دنیاست.

اما نقطه مهم مورد نقد این سریال، فیلمنامه این سریال است، چنین آثاری لازم است بیان ظریف و غیرمستقیم و دراماتیکی داشته باشند، اما در برخی قسمت‌ها سریال، کمی جنبه شعاری پیدا کرده و جنبه ملموس و واقع‌بینانه را از دست داده و مساله مهم دیگر ریتم این دسته کارهاست که معتقدم باید تند باشد تا اثرگذاری داشته باشد، در شیوه کارگردانی و تدوین و روایت هم جا دارد کار شود.

سوال ۵. در خبرگزاری تسنیم (مهر ماه ۹۹) مصاحبه‌ای داشتید، که تیتراژ این بود: «دستگاه‌های امنیتی چه کمکی به رسانه می‌کنند!» و حالا یک سوال معکوس، به نظر شما رسانه چه کمکی به دستگاه‌های امنیتی می‌کند؟

این یک ارتباط تعاملی و لازمه و به قول اهالی فلسفه به نوعی دیالکتیک. ما سه ضلع داریم، رسانه، اطلاعات و امنیت. ماهیت رسانه مشخصه، ابزاری برای انتشار اطلاعات، در مقابل دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، برعکس، رسالتشون کسب اطلاعات در حوزه امنیتی و کنترل اطلاعات. شاید در وهله اول این طور به نظر برسد که دستگاه‌های رسانه‌ای و امنیتی با هم در تعارض هستند اما در واقع اینطور نیست. می‌توان گفت فصل مشترک نهادهای امنیتی و حوزه‌های رسانه‌ای، همین حوزه اطلاعات است که به خصوص با ظهور بروز وب و اطلاعات، شکل پیچیده‌تری هم به خود.

با این اتفاق ماهیت و کارکرد دستگاه‌های رسانه‌ای و اطلاعاتی تغییر کرده، در حال حاضر در وب و در حوزه رسانه مشارکت اینقدر فعالانه شده که خود مخاطب در جایگاه تولید اطلاعات و جایگاه رسانه قرار گرفته، که شرایط خاص و پیچیده رو رقم زده که واقعا مدیریت رسانه و اطلاعات و از سوی دیگر مدیریت امنیت و اطلاعات فصل‌های تازه‌ای دارند که باید خیلی دقیق‌تر و تخصصی‌تر به این موضوعات پرداخته شود.

در اینجا ما با افکار عمومی سر و کار داریم و همین افکار است که همه چیز را رقم می‌زنند، افکار عمومی، مهم‌ترین شکل تشکیل‌دهنده جامعه است، پس شکل ارائه اطلاعات می‌تواند شکل اغناء مخاطب در فضای امنیتی کشور را رقم بزند. نقطه مقابل هم، جنگ روایت و اطلاعات در بستر وب و نت در عصر حاضر است که به نحوی با آن هم درگیریم و نباید آن را نادیده گرفت که با ارائه اطلاعات خاص به شکل‌های خاص، که افکار عمومی را درگیر ناامنی می‌کند و یا با یک رویکرد استراتژیک این افکار را برای رسیدن به هدفی خاص مهندسی کنند و بالعکس.



سردار سلیمانی‌ها بوده و هست، به افکار عمومی تزریق کند؟

موفقیت یک امر نسبی است، اگر ما باید در مسیر رشد باشیم باید بگوییم که این کار نسبتاً خوب است، اما هنوز با ایده‌آل ما فاصله دارد و باید در به کارگیری تکنیک‌ها و جزئیات کار کنیم تا تولیدات پخته و اثرگذاری داشته باشیم. از طرفی همین که در این میدان و سنگر کاری را شروع کردیم که بازخورد خوبی داشته باید قدر دانست و تجلیل کرد. ما امروز به رقم تمام توطئه‌های پیچیده و جنگ ترکیبی که علیه‌مون رقم خورده علیه خانه امنی داریم که باید قدردان این موضوع باشیم به نظر ما تا حدود زیادی این هدف استراتژیکی و باخوردی که در مخاطب می‌بینیم محقق شده است.

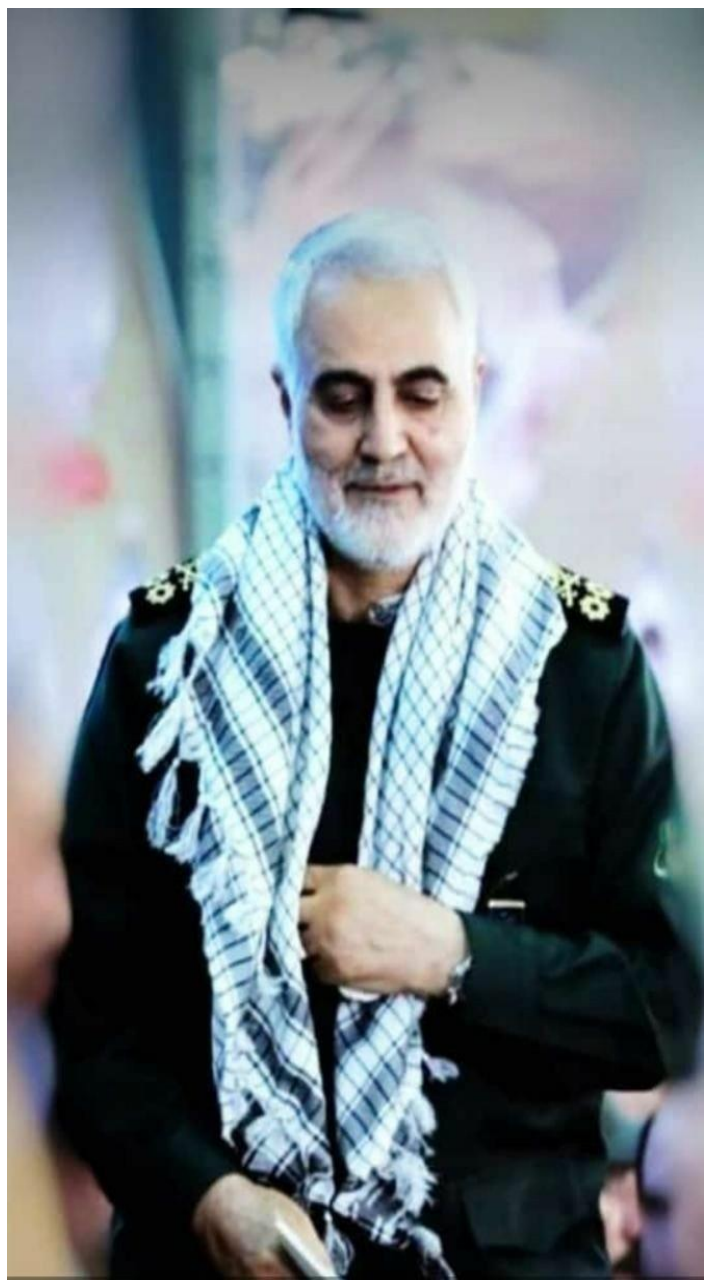
سوال ۷. شخصیت «کمال» (با بازی حمیدرضا پگاه) (که گفته شده از روی شخصیت علی کمالی ماموری که سرتیم پرونده‌های امنیتی بوده ساخته شده) در این سریال توانسته تداعی‌گر شخصیت سردار سلیمانی باشد؟

شاهد بودیم در سریال خانه امن ادای دینی شد به شخصیت علی کمالی (ملقب به کمال). تولید چنین کاری ادای دینی است به مجاهدان خاموشی که جانفشانی می‌کنند و جهادشون مضاعف است. شهید کمال (اصفه‌ای بودند) در سال‌های دهه شصت حضور فعالی داشتند خصوصاً در نبرد با گروه تروریستی منافقین و خیلی از دوستانشون هستند که همچنان فعالانه ایستادند و تا به امروز هم مبارزه را ادامه می‌دهند که ما اینها را نمی‌شناسیم. در واقع باید بگوییم که ما سردار سلیمانی‌ها، علی کمالی‌ها، داریم که گمنام هستند.

پس امروز یکی از بزرگترین ساحت‌های امنیت در همین حوزه نرم است توجه کنید ما خیلی وقت‌ها امنیت داریم اما احساس امنیت نداریم این دو حوزه کاملاً دو حوزه متفاوت است، حوزه دوم امنیت نرم محسوب می‌شود، ما باید بپذیریم واقعا به برکت خون بسیاری از شهدای گمنام و مجاهدت‌های خاموش و پنهان سربازان گمنامون و مجاهدت‌های عزیزانی چون سردار بزرگمان حاج قاسم سلیمانی امروزه کشورمان از بالاترین طرازهای شاخص‌های امنیتی در دنیا برخوردار است، که جای تعجب دارد که منطقه‌ای ناامن که دور تا دور ما را کشورهای فرا گرفته‌اند که به نحوی دچار ناامنی و بحران امنیتی با داعش و گروه‌های تروریستی مواجه‌اند. در این میان خدای شکر ما خانه امنی داریم این یک حقیقت غیرقابل کتمان است اما در حوزه نرم چطور؟ می‌بینیم که در حین داشتن شاخصه‌های سخت، اما هنوز شاخص‌های امنیتی نرم ما، پایینه یعنی خیلی وقت‌ها به نادرست با توجه به شانتاژ (شلوغ کاری) که رسانه‌های غربی دارند امنیت روانی جامعه ما را بهم می‌زنند و اینها تکنیکی است که میشود درباره آنها بحث کرد. اغلب رسانه‌ها، با مدل‌های روانشناختی و عملیات روانی روی افکار عمومی کار می‌کنند که روی افکار عمومی اثر می‌گذارند و باعث ایجاد احساس ناامنی می‌شوند. سردمدار این عملیات روانی آمریکاست که سال‌ها روی آن کار کرده و برای مقابله با چنین جنگی ما نیز باید روی آن به طور جدی کار کنیم.

سوال ۶. سریال خانه امن، در ایجاد جنگ روایت موفق بوده؟ توانسته امنیت خانه را که در گرو، زحمات عزیزانی چون؛

زیر بار نرفتنی از سر صدق و خلوص و این نامه ماندگار شد و گفتن تا من شهید نشدم چیزی در مورد من منتشر نشود. امروز این رسالت بر دوش ما است و البته باید یادآور شوم که ما نباید همه چیز را محدود کنیم به حاج قاسم، ایشان سمبل و نماد یک طیف جریان و انسان‌هایی است که مجاهدت‌های خاموشی دارند و انسان‌های زیادی هستند و راهشان ادامه دارد، دو اینکه ما وظیفه داریم در نبرد جنگ نرم تولیدات استراتژیکی از این دست داشته باشیم، طرحی که موفق به اجرای آن نشدیم و اصلا باید در فکر راه اندازی تولیدات خاص استراتژیک باشیم.



این طبقه‌بندی محافظتی و لزوم به پنهان‌کاری می‌تواند مسائل زیادی را به آورد. خانواده این عزیزان ممکن است دچار سوءتعبیر بشوند، این سریال به خوبی توانست بخشی از زندگی پر حاشیه این عزیزان را به تصویر بکشد.

از جنبه نماد گذاری هم ادای دین است به تمام سربازان گمنام از جنس حاج قاسم است که هستند و ما آنها را نمی‌شناسیم.

سوال ۸. شخصیت سردار سلیمانی، شخصیت جلوی دوربین آوردن نبود و بنظرم ساخت فیلمی درباره ایشان سخت است نظر شما چیه؟

یاد خاطره‌ای افتادم که عرض می‌کنم، حدود ده سال پیش و برای اولین بار، با اصرار تولید یک کار رسانه‌ای از حاج قاسم را مطرح کردم. ایشان در آن زمان به این گستردگی شناخته شده نبودند. ولی بنظرم ظرفیت بالای کاریزمایی داشتند، طرح سینمایی مفصلی (سینمایی) نوشته بودم و همان زمان هم تکنیک‌های موشن کیچر و... مد شده بود. یک کار تلفیقی انیمیشن را در ذهن پرورانده بودم، که بیایم از کودکی تا فرماندهی ایشان را در نیروی قدس بسازیم، به نحوی تولید تبلیغی مثل کارهایی که در غرب اتفاق می‌افتد.

خیلی پیگیری کردم، موسسه شهید آوینی هم تجهیزات خوبی داشت که می‌شد استفاده کرد و نهایتا آقای سردار آسوری بانی شد تا رضایت حاج قاسم را بگیرد. به هر جا دستم می‌رسید جنگ زدم و تحقیق مفصلی کردم، حتی بخش‌های مفصلی از زندگی ایشان را نوشتم... اما، تمام تلاشم به نامه ای که به پیوست تقدیم می‌کنم منجر شد، و سردار زیر بار نرفت.

سوال ۹. سخن پایانی برای خوانندگان!؟

در پایان تاکید می‌کنم، ما در یک فضای پیچیده جنگ ترکیبی دشمن قرار داریم و یکی از مهم‌ترین سنگرها و عرصه‌ها و خطوط مقدم این جنگ روایت، رسانه و هنر است که در ژانرهایی مثل سریال‌های استراتژیک معنا پیدا می‌کند. و اگر در این قاعده درست بازی نکنیم، درست روایت نکنیم علیه ما روایت خواهد شد.

امروز گفتمان انقلاب اسلامی ما برای اینکه به موفقیت برسد و گفتمان‌سازی در سطح بین‌الملل صورت بگیرد، نیاز به تقویت این حوزه و ژانر دارد، ترکیه از سال ۲۰۰۴ جریانی را شروع کرد، که به خوبی نشان می‌دهد، اهمیت تولیدات فیلم و سریال استراتژیک را فهمید و مدیریت هدفمند کرد و به مرور، از یک رقم‌های پایین درآمدزایی رو به سطوح بالا رسیده یعنی اقتصاد ترکیه الان از حوزه فیلم و سریال درآمدزایی دارد و تبدیل به دومین صنعت تولید فیلم و سریال در دنیا بعد از آمریکا شد. برای مثال بعضی سریال‌هایی با هدف هویت‌سازی و احیای تفکر نو عثمانی، که مدنظر دولت ترکیه است تولیدات هدفمند تولید کرده، مثل سریال ارطغرل و قیامت عثمان که در مورد بنیانگذارهای حکومت عثمانی هستند، ترکمن‌هایی که مهاجرت کردند به آناتولی و بعد اونوقت اونجا برای خودشان حکومت تشکیل دادند... شما بسیار هوشمندانه، در این سریال تفکرات نو عثمانی را حتی از جنبه‌های دینی و اسلامی نهادینه کرده و ما بازخوردهای خیلی عجیب و غریبی می‌بینیم مثلا ضریب نفوذ این سریال از اروپای شرق تا بالکن تا اسلامی و حتی امریکای لاتین مثلا در پاکستان، نخست‌وزیر (عمران خان) این کشور، رسماً در مورد سریال صحبت می‌کند و می‌گوید قیام عثمان را در دوران کرونا دیدم و مردم را به دیدن این سریال تشویق می‌کند یا مثلا در لاهور، مجسمه طغرل ساخته می‌شود. در امریکای لاتین رئیس‌جمهور یکی از کشورها، لباس‌های شخصیت عثمان را تقاضا می‌کند و گفته من به این فکر کردم که مسلمان شوم. این ضریب نفوذ سریال را با یک بیان تخصصی اومده و داره اون گفتمان نو عثمانی ترکیه را در دنیا پیش می‌بره و در کشور خودمون فیلمو هست و میشه تحلیل کرد. هم براش درآمد مالی کارافرینی و هم اهداف جنگ نرم و استراتژیک است این یعنی هنر. حالا مقایسه کنید به خیلی تولیداتی که در کشور ماست. نیاز به مدیریت داریم ضعف ما مدیریت هدفمند، تخصصی و عالمانه است و خودش سرفصلی است. شاید در آینده بتوان درباره آن مصاحبه‌ای انجام داد.



« قائدالحشد »

مستندی دیدنی باموضوع فرمانده شجاع؛ شهید ابومهدی المهندس

جمله ای از ابومهدی مهندس در این مستند: «دعا کن قطعه قطعه شوم، و سر در بدنم نماند»

موضوع: استکبارستیزی

مدت زمان: ۱ ساعت ۳ دقیقه

کارگردان: مهدی لارویی

تهیه کننده حقیقی: سیدهاشم موسوی

خلاصه : «جمال ابراهیمی» که از مخالفین صدام بود در جوانی از عراق به کویت رفت تا مخفیانه با رژیم صدام مبارزه کند. او با آغاز جنگ ایران و عراق، به عنوان فرمانده سپاه بدر به مبارزات خود علیه رژیم بعثی صدام پرداخت. پس از سالها او بالقب ابومهدی المهندس به عنوان بزرگترین فرماندهی جهادی عراق به خانه بازگشت. ابومهدی و حاج قاسم که دو یار جدایی ناپذیر بودند با شروع شدن جنگ توسط داعش، به کمک مردم عراق رفتند، تا باردیگر دوشادوش علیه دشمن بجنگند. دو یاری که علاوه بر دل‌هایشان، گوشت و خونشان با حمله تروریستی آمریکا بهم آمیخت. این مستند، ضمن پرداختن به معرفی شخصیت ناشناخته ابومهدی المهندس به روایتی جذاب و نزدیک به شهید حاج قاسم سلیمانی پرداخته است. مستندی ترکیبی، که در شناخت شخصیت والای ابومهدی مهندس و دلاوری های کمک بزرگی به مخاطب کرده است. مستندی از صحنه های کمیاب از او در برخورد با سربازان غیور و نحوه ی مدیریت استراتژیک او در جبهه علیه داعش و آزادسازی شهر آمرلی... و البته سخنانی شگفت درباره ی او زبان اهل جنگ مانند ابوعلی البصری (فرمانده سابق سپاه بدر) و ابوالولایی (فرمانده گردان سیدالشهدا)

...و





قسمتی از خاطرات آزادگی حاج علی بخشی زاده؛

بسم الله الرحمن الرحيم
... یاد رفقای خلافاکارم (به قول بعضی‌ها) افتادم، ده نفری بودیم که زندانبان‌ها را به ستوه آورده بودیم، برای خلاصی از شَرمان در اردوگاه شماره هشت، عنبر الانبار عراق، يك اتاق (دو متر در دو متر) تنگ و تاریک رو به آفتاب داغ غرب، با سقفی کوتاه که مجال تکان خوردن نداشتیم، حبسمان کرده بودند. در آن هوای گرم، سه، چهار سلطل آب هم گاهی داخل سلولمان خالی می‌کردند و می‌رفتند، بخار آب، دم و بازدم را سخت‌تر می‌کرد. عرق روی عرق می‌ماند و تنمان از شدت عرق پر از دُم‌های چرکی شده بود. يك روزنه ی کوچک روی در سلول آهنی داغ، تنها منبع هوایمان بود. نوبتی جابجا می‌شدیم و چند لحظه بینی‌مان را جلوی سوراخ کوچک روی در می‌گرفتیم و چند لحظه نفس عمیقی می‌کشیدیم، تا آن زمان اینگونه لذت تنفس را حس نکرده بودم. ... با اینکه از ماسک کلافه ام، اما خدا را شکر می‌کنم و ماسکم را بالا می‌کشم...
«إِن مَعَ الْعُسْرِ يُسْرٌ»

کانون فرهنگے هنری «گندم»

بامجوز جہاد دانشگاہے واحد علامہ طباطبائیے شماره ۲۱۴/۱۱/۹۹/ص، مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

نشریہ «گندم»

بامجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاہ علامہ طباطبائی به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

مدیر مسؤل و سردبیر:

دکتر محسن حبیبی (عضو، کمیٹ علمی دانشگاہ علامہ طباطبائی)

اسامی، بھکاران این شماره:

زہرا متقی، زہرا رضیان، زہرا رضوانعلی، فاطمہ اسدی، کیمیا اسماعیلی،
جواد پورزند، خانم فاطمہ شفیع، فاطمہ فرح آبادی، ہومان راستکار

طراح و صفحہ آرا:

زینب ہمتی پور



دانشگاہ علامہ طباطبائی



واحد دانشگاہ علامہ طباطبائی

GANDOM
Pāva